

معناشناسی «تبشیر» در قرآن کریم

ابراهیم فلاح*

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۱۴

نصرت الله نصیری**

تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۷

چکیده

پژوهش درباره واژه‌های قرآن از آن جهت اهمیت دارد که قرآن، منبع معارف و دستورهای زندگی انسان و در حقیقت کتاب انسان است. یکی از راه‌های دستیابی به فهم بهتر قرآن برای رسیدن به سعادت و کمال، معناشناسی واژه‌های قرآنی است. این پژوهش با عنوان «معناشناسی تبشیر در قرآن کریم» با شیوه کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی در صدد است که حوزه‌های معنایی واژه تبشیر را با توجه به مجاورت کلمات و تقابل آن‌ها و ساختار آن در قرآن را مورد بررسی قرار دهد. برای دستیابی به این مهم از دانش معناشناسی که ابزاری برای ژرف اندیشی و ایجاد نگاهی عمیق و فراگیر است، واژه تبشیر و واژه‌های مرتبط با آن با بکارگیری قاعده سیاق هسته معنایی تبشیر و ارتباط نظام‌مند مؤلفه‌های مرتبط با آن تبیین گردیده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که واژه‌های «ایمان»، «احسان»، «صبر»، «اسلام» و «تواضع» مفاهیم همنشین «تبشیر» و واژه «انذار» در تقابل با تبشیر قرار دارد. لذا انسان مؤمن اگر بتواند صفات مذکور را در خود تقویت کند می‌تواند به عنوان مبشر الهی مطرح باشد. همچنین خداوند قرآن کریم، ملائکه و برخی از انبیای الهی از مصادیق مبشرین در قرآن کریم می‌باشند.

کلیدواژگان: اسلام، ایمان، تواضع، صبر، مؤده، ملائکه، انسان.

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران. Fallahabrahim@gmail.com

** دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران.

نویسنده مسئول: ابراهیم فلاح

مقدمه

معناشناسی مطالعه انتقال معنی از طریق زبان است (صفوی، ۱۳۷۹: ۳۴). در واقع معناشناسی زبانی با آن معنای قراردادی سروکار دارد که با استفاده از آن، واژه‌ها، عبارات و جملات زبان منتقل می‌شود (یول، ۱۳۸۵: ۱۳۸). دانش معناشناسی بیش از نیم قرن است مانند دیگر شاخه‌های زبان‌شناسی دنیا مورد توجه است. دانشمندان زیادی با فرهنگ‌ها و گرایش‌های مختلف به مسأله معنا می‌پردازند. مباحث مهم معناشناسی را می‌توان یافتن واژه‌های مترادف و متضاد، و همچنین کلمات همنشین و جانشین عنوان کرد. معناشناسی واژه‌های قرآنی را می‌توان از حوزه‌های مهم فهم و تفسیر کلمات و عبارات قرآن به شمار آورد. از مهم‌ترین این واژه‌ها «تبشیر» است. این پژوهش در راستای پاسخگویی به پرسش مذکور، و جست‌وجوی کلمات مترادف و متضاد و همچنین واژه‌های همنشین «تبشیر» در قرآن کریم، و نیز در جهت یافتن مصادیق مبشرین در قرآن، با رویکرد توصیفی-تحلیلی نگارش یافته است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر سعی دارد با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و تبیین واژه «تبشیر» از منظر قرآن کریم بپردازد. اجرای این پژوهش با مطالعات کتابخانه‌ای منابع و اسناد دست‌اولی و تفاسیر و کتب لغوی که اغلب با رویکرد قرآنی جمع‌آوری گردیده‌اند و با بازخوانی، بررسی اسناد و پژوهش‌های موجود، داده‌های کیفی به صورت توصیفی-تحلیلی طبقه‌بندی و سامان یافته‌اند.

پرسش‌های پژوهش

۱. معنای «تبشیر» در قرآن کریم و مؤلفه‌های مرتبط با آن چیست؟
۲. مصادیق «تبشیر» از منظر قرآن کریم چیست؟

فرضیه‌های پژوهش

۱. به نظر می‌رسد «تبشیر» در قرآن کریم به معنای متعددی به کار رفته است.

ب- احتمال می‌رود «تبشیر» در قرآن کریم مصادیق گوناگونی داشته باشد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

یکی از اصلی‌ترین دلایل ضرورت انجام این پژوهش، تبیین یکی از واژه‌های کلیدی قرآن است. این بررسی و مذاقه موجب می‌شود که مخاطبانی که در جست‌وجوی حقیقت هستند، ابعاد جدیدی از حوزه معرفت را به روی خود بکشایند و به نقش اساسی بشارت در سعادت بشر توجه نمایند. زیرا انسان باید در برابر انجام کار نیک تشویق شود تا آمادگی بیش‌تری برای پیمودن راه تکامل پیدا کند.

پیشینه پژوهش

درباره واژه «تبشیر» تا کنون کتب و مقالاتی نگاشته شده است که در هر کدام تلاش شده جلوه‌هایی از بشارت مورد بررسی قرار گیرد از جمله:

۱- کتاب «بشارت و انذارهای قرآن کریم» توسط عباس علی کامرانیان، ناشر: پویا نقش، محل نشر: تهران، در سال ۱۳۸۶ به نگارش درآمده است. در این کتاب به آیاتی از قرآن مجید که در آن‌ها به مقوله بشارت و انذار تأکید شده است، پرداخته شده و با در کنار هم نهادن آیات مربوط به تبشیر و تنذیر، نظرات مفسران در این زمینه نقل گردیده است.

۲- کتاب «بشارت و انذارهای پیامبر اعظم(ص)» توسط زهره سوری و حسن گودرزی، ناشر: رشد فرهنگ، محل نشر: گرگان در سال ۱۳۸۸ به رشته تحریر درآمده است. نگارنده در این کتاب در زمینه بشارت و انذارهایی که نبی اکرم(ص) برای هدایت مردم به کار برده است، مطالبی ذکر نموده و به آیات قرآن کریم و روایت معصومین(ع) در راستای موضوع تبشیر و تنذیر پیامبر مکرم(ص) پرداخته است.

۳- مقاله‌ای با عنوان «بشارت و انذار» توسط مهدی موسوی کاشمیری در مجله پیام زن شماره ۸۲، دوره ۱۳۷۷، صفحات ۷۲-۷۵، زمستان ۱۳۷۷ به رشته تحریر درآمده است. نگارنده در این مقاله، به مقوله بشارت و انذار از دیدگاه کلی پرداخته است. با عنایت به آثار فوق، تا کنون پژوهش خاصی درباره معناشناسی واژه «تبشیر» از منظر

قرآن کریم نگاشته نشده است. بنابراین مقاله حاضر با این رویکرد از نوآوری برخوردار است.

بررسی واژه تبشیر

معنای تبشیر در لغت و اصطلاح

«تبشیر» به معنای شادمانی و خبر صادق و فرح‌بخش است. در «صاحح اللغة» آمده است که اگر بشارت به طور مطلق به کار رود، فقط به معنای نوید و خیر و مژدگانی است و تنها در صورتی به معنای شر است که قرینه‌ای در کار باشد (جوهری، ۱۳۷۶: ۵۹۰/۲-۵۹۱) چنانکه در سوره توبه آمده است: ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (توبه/۳)؛ «و کافران را به مجازات دردناک بشارت ده!» اما در مورد واژه بشارت باید گفت این واژه مصدر ثلاثی مجرد بر وزن فعالة است.

برخی ریشه آن را «بشر» به معنای سرور می‌دانند که به آن بشری نیز می‌گویند (راغب اصفهانی، بی تا: ۱۲۵). معادل آن در فارسی، خبر خوش و مژده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۱۷۰/۳) در تفاوت بشارت و خبر گفته شده: بشارت خبر سرور انگیزی است که برای اولین بار داده می‌شود (طوسی، بی تا: ۱۰۷/۱).

برخی دیگر بشارت را در هر خبری صادق می‌دانند که چهره آدمی را تحت تأثیر قرار دهد، شادی‌بخش باشد یا حزن‌آور، البته استعمال آن در خبر شادی‌بخش غلبه یافته است. پس بشارت و تبشیر از «بشرة» به معنای صورت و پوست صورت و حاکی از مژدگانی، و هر خبری است که در «بشرة» تأثیر بگذارد و از شنیدن آن، رنگ چهره آدمی دگرگون شود.

بشارت، هم خبرهای مسرت‌انگیز و هم خبرهای اندوه‌بخش را شامل می‌شود، چنانکه در قرآن کریم، هم در حق مؤمنان: ﴿وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (بقره/۲۲۳)؛ «و به مؤمنان بشارت ده!» و هم در خصوص منافقین و کفار: ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (توبه/۳)؛ «و کافران را به مجازات دردناک بشارت ده!» استعمال شده است. زبیدی نیز در «تاج العروس» معتقد است که هر گاه بشارت، به طور مطلق به کار رود، به خبر اختصاص یابد، چنانکه استعمال آن در خبرهای شادی‌آفرین و مسرت‌بخش، به مراتب بیش‌تر از استعمال آن در

موارد وعده و تهدید به عذاب است (زبیدی، ۱۳۰۶ق: ۴۴/۳-۴۵). *راغب اصفهانی* نیز در مورد این واژه می‌نویسد: «يقال للخبر السارّ البشارة والبشرى» (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۴۸)؛ «به خبر مسرور کننده، بشارت و بشری گفته می‌شود» اما همان‌طور که اشاره شد، در اخبار به عذاب و کیفر نیز این واژه آمده است. در کنار آیاتی که از بشارت، به عذاب الیم و ... سخن گفته، در برخی روایات نیز همین کاربرد به چشم می‌خورد (مجلسی، ۱۳۶۲: ۱۳۵/۶). از مجموع دیدگاه‌های صاحبان کتب لغت، می‌توان معنای لغوی تبشیر را رساندن خبر که غالباً خبر مسرت‌بخش یا به عبارتی دیگر مژده است، معنا نمود.

بشارت در اصطلاح، اخبار به خیر و امور مطلوب است و در مقابل انداز قرار می‌گیرد و مخبر آن را تبشیر گویند (طیب، ۱۳۶۹: ۴۱۶/۱). از دیدگاه شیخ طوسی بشارت در اصطلاح خبری است که به وسیله آن خبر گیرنده مسرور می‌شود. این کلمه از «بشرة» نشأت می‌گیرد و از جمله آن تباشیر و سرور صبح است و سرور در چهره انسان را نیز در بر می‌گیرد (طوسی، بی‌تا: ۱۰۸/۱).

در تعریفی دیگر، بشارت به معنای نوید دادن به سعادت و وضعیت دلپذیر و مطلوب آینده که در اثر اجرای قوانین الهی و اطاعت از آن پدید می‌آید و بشیر یعنی مژده‌دهنده به این وضعیت مطلوب (سلیمی، ۱۳۷۹: ۲۰۷).

بررسی واژه مترادف تبشیر

برای واژه تبشیر و بشارت، کلمه هم‌معنی «بشاشة» به کار رفته است. اصل این واژه «تَبَشِيشٌ» می‌باشد. که شین وسطی به فاء الفعل مبدل گشت (طریحی، ۱۴۰۳ق: ۱۳۰/۴). صاحب «لسان العرب»، «بشاشة» را طلاق الوجه و گشاده‌رویی و عبوس نبودن معنا نموده و در ادامه می‌نویسد: «بشاشة اللقاء: الفرح بالمرء والانبساط إليه والأنس به» (ابن منظور، ۱۴۰۸ق: ۲۶۶/۶). از دیدگاه صاحب کتاب «العین»، به مَرَدی که چهره‌اش درخشان و نورانی باشد، بشیش می‌گویند (فراهیدی، ۲۰۰۳م: ۲۳۳/۶).

نویسنده کتاب «مجمع البحرين» نیز بشاشة را طلاق الوجه و حُسن اللقاء معنا نموده است (طریحی، ۱۴۰۳ق: ۱۳۰/۴). بشاشة در اصطلاح نیز معنای گشاده‌رویی دارد و همان معنای لغوی در اصطلاح نیز مراد است. اما در تفاوت «بشارت» و «بشاشة» باید گفت

بشارت، اولین خبر شادی آفرین است که به انسان می‌رسد. چنانکه اگر همین خبر برای بار دوم تکرار شود، به آن دیگر بشارت گفته نمی‌شود. به طور مثال طبق نظر فقها اگر کسی بگوید هر که برایم بشارت فرزندم را بیاورد او را آزاد می‌کنم، منظور اولین کسی است که این خبر را برساند، نه هر که این خبر را بیاورد. اما بشاشت، اظهار نمودن شادی به هنگام رویارویی با امری مسرت‌آمیز می‌باشد. با این تفاوت که این خبر خوشحال کننده می‌تواند برای اولین بار باشد و یا تکراری بوده باشد (عسکری، ۱۳۹۰: ۲۶۲).

واژه متضاد تبشیر

در مقابل تبشیر که به معنای مژده دادن است، کلمه انذار قرار دارد که معنای بیم دادن می‌دهد. انذار در لغت مصدر باب افعال از ماده «ن ذ ر» و به معنای ترساندن یا ترسیدن است. صاحب «التحقیق» قیدی را بر آن می‌افزاید و می‌نویسد: «هر ترساندنی انذار نیست. بلکه انذار، ترساندن با قول و گفتار است» (مصطفوی، ۱۳۷۴/۷۵: ۱۲). فیومی در «مصباح» می‌نویسد: «أنذرت الرجل كذا، إنذاراً أي أبلغته وأنذرته بكذا فنذر به مثل علمته به فَعَلِمَ» (فیومی، بی تا: ۵۹۹/۲۱).

زبیدی نیز اصل انذار را به معنای اعلام می‌گیرد: «أنذره بالأمر إنذاراً أو نذراً، أي أعلمه وقيل حذره وخوفه في إبلاغه» (زبیدی، ۱۳۰۶: ۵۱۷/۷). کلمه «نذر» از جمله مشتقات انذار و به معنای تعهد و التزام گفتار می‌باشد (فراهیدی، ۲۰۰۳م: ۱۸۰/۸). نذیر، اسم فاعل از این ماده، به معنای آگاه کننده و بازدارنده است. در کلام عرب، «نذیر الجیش» همان پیشاهنگ لشکر می‌باشد که سربازان را از فعالیت دشمن آگاه می‌سازد. پس منذر آگاه کننده قوم خود از حمله دشمن و سایر خطرات است (ابن منظور، ۱۴۰۸ق: ۲۰۲۳/۵). از این تعاریف به دست می‌آید که انذار به معنای اعلان، آگاهی دادن و اطلاع رساندن می‌باشد، هر چند ممکن است در این اعمال نوعی هشدار هم وجود داشته باشد.

یکی دیگر از معانی متضاد تبشیر تمسخر و استهزاء است. در آیه ۲۱ سوره آل عمران ﴿فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ آنان را به شکنجه‌ای دردخیز مژده بده، یعنی «انذرهم»، پس بشارت که خبر شادی‌آور است برای انذار که ضد آن است استعاره آورده شده است، به سبب داخل کردن انذار در جنس بشارت به شیوه استهزاء.

مفاهیم همنشین «تبشیر» در قرآن کریم

واژه «تبشیر» در موارد بکاررفته در قرآن، با همنشین‌هایش یک زوج معنایی را تشکیل می‌دهد که دارای رابطه هم‌معنایی هستند. مهم‌ترین واژه‌هایی که در قرآن، در کنار «تبشیر» ذکر شده‌اند عبارت‌اند از:

۱. ایمان

در قرآن کریم مؤمنین ده مرتبه مورد بشارت قرار گرفته‌اند. در آیاتی، به مؤمنان بشارت به بهشت‌هایی جاودان داده شده است. به عنوان نمونه در سوره بقره آمده است: ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ (بقره/۲۵): «به کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بشارت ده که باغ‌هایی از بهشت برای آن‌هاست که نهرها از زیر درختانش جاری است».

در تفاسیر روایی، ذیل آیه کریمه، شرایطی همچون ایمان به خدا، ایمان به صداقت نبی گرامی (ص) و صدق گفتارش، پذیرش ولایت علی بن ابی طالب (ع) به عنوان ولی و وصی پس از پیامبر (ص) و اطاعت از فرامین ایشان و همچنین ولایت ائمه و ذریه پس از ایشان، و دشمنی با دشمنان ایشان، از شرایط ایمان واقعی و ورود به بهشت معرفی شده است (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۱/۱۵۶). ادای فرائض و اجتناب از گناهان نیز عمل صالح معرفی شده است (همان). بنابراین ایمان با اخلاص در عمل، رابطه و پیوندی مستقیم دارد، بدین معنی که هرچه ایمان قوی‌تر و بالاتر رود، مؤمن در مقام عمل از درجه خلوص بیش‌تری برخوردار می‌شود. در سوره حدید نیز به مؤمنان بشارت بهشت داده شده است: ﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يُشْرَكُونَ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (حدید/۱۲). این آیه شریفه مطلق است، شامل مؤمنین هر امتی می‌شود، و اختصاصی به امت اسلام ندارد، و اگر از "تاییدن نور" تعبیر به "سعی و دویدن" کرده برای این بود که اشاره کرده باشد به اینکه چنین کسانی به سوی درجاتی از بهشت که خداوند برایشان تهیه دیده می‌شتابند، در حالی که هر لحظه و یکی پس از دیگری درجات و جهات سعادت و مقامات قرب برایشان روشن می‌گردد، تا جایی که دیگر نورشان به حد تمام و کمال برسد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/۲۷۲). در آیه دوم سوره یونس، برای مؤمنین پادشاه‌های مسلم بشارت داده شده است: ﴿أَكُنْ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَوْ حِينًا إِلَى

رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ تُذِرَ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُبِينٌ ﴿۱﴾: «آیا برای مردم، موجب شگفتی بود که به مردی از آن‌ها وحی فرستادیم که مردم را (از عواقب کفر و گناه) بترسان، و به کسانی که ایمان آورده‌اند بشارت ده که برای آن‌ها، سابقه نیک (و پاداش‌های مسلم) نزد پروردگارشان است؟! (اما) کافران گفتند: «این مرد، ساحر آشکاری است.»»

در آیه بشارت را مخصوص مؤمنین نمود، چون انذار عام است و شامل مؤمنین و غیر مؤمنین می‌شود، ولی بشارت به نعمت‌های آخرت فقط مخصوص مؤمنین است. خداوند به آن‌ها در مقابل بهترین عملشان پاداش می‌دهد پس اگر یک قدم صدق از نوعی راستی برای آن‌ها ثابت شود رستگار می‌شوند و به هر آنچه که خداوند به مقربین درگاهش وعده داده است می‌رسند (گنابادی، ۱۳۷۲: ۱/۶-۳۰۲-۳۰۱). در تفاسیر و روایت شیعه، مقصود از «قدم صدق» در این کریمه، ولایت ائمه معصومین (ع) معرفی شده است که لازمه ایمان، پذیرش ولایت ایشان است (عیاشی، ۱۴۰۷: ۱۱۹/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۴۲۲؛ طبری، بی‌تا: ۲۶۱).

در آیاتی دیگر، قرآن کریم، به عنوان بشارتی برای افراد با ایمان معرفی گردیده است. در آیه ۹۷ بقره آمده است: ﴿قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلْجِبْرِيلِ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ﴾: «آن‌ها می‌گویند چون فرشته‌ای که وحی را بر تو نازل می‌کند، جبرئیل است، و ما با جبرئیل دشمن هستیم، به تو ایمان نمی‌آوریم! بگو کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خداست) چراکه او به فرمان خدا، قرآن را بر قلب تو نازل کرده است؛ در حالی که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند؛ و هدایت و بشارت است برای مؤمنان». در تفسیر «مجمع البیان» ذیل این کریمه آمده است: «و علت اینکه راهنمایی کتاب را از امتیازات مؤمنین قرار داد این است که تنها آنان از راهنمایی کتاب استفاده برده و بر طبق دستوراتش عمل می‌کنند و اگرچه آن در صدد راهنمایی همه است؛ و برخی گفته‌اند منظور از «هدایت» رحمت و پاداش است و از همین جهت اختصاص به مؤمن دارد و معنای «بشری» این است که در آن کتاب نعمت همیشگی به آنان مژده داده شده است» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/۲۷۵). خلاصه سخن آنکه

ایمان به حق تنها یک اندیشه نیست که آدمی آن را در سر بپروراند و سخنی نیست که آن را بر زبان بچرخاند، بلکه رفتار و کردار است» (سبزواری، ۱۳۸۷: ۲۰/۶).

۲. احسان

در قرآن کریم دو مرتبه بشارت به محسنین داده شده است. در سوره حج فرموده است: «لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤها وَلَكِنَّ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ» (حج/۳۷): «نه گوشت‌ها و نه خون‌های آن‌ها، هرگز به خدا نمی‌رسد. آنچه به او می‌رسد، تقوا و پرهیزگاری شماست. اینگونه خداوند آن‌ها را مسخّر شما ساخته، تا او را به خاطر آنکه شما را هدایت کرده است بزرگ بشمرید؛ و بشارت ده نیکوکاران را!». از دیدگاه نویسندگان «تفسیر نمونه»: «این آیه هدف را اینگونه بیان می‌کند که شما با پیمودن مدارج تقوا در مسیر یک انسان کامل قرار گیرید و روز به روز به خدا نزدیک‌تر شوید، همه عبادات کلاس‌های تربیت است برای شما انسان‌ها، قربانی درس ایثار و فداکاری و گذشت و آمادگی برای شهادت در راه خدا به شما می‌آموزد، و درس کمک به نیازمندان و مستمندان. این تعبیر که خون آن‌ها نیز به خدا نمی‌رسد با اینکه خون قابل استفاده نیست ظاهراً اشاره به اعمال زشت اعراب جاهلی است که هرگاه حیوانی را قربانی می‌کردند خون آن را بر سر بت‌ها و گاه بر در و دیوار کعبه می‌پاشیدند، و بعضی از مسلمانان ناآگاه بی‌میل نبودند که در این برنامه خرافی از آن‌ها تبعیت کنند، آیه فوق نازل شد و آن‌ها را نهی کرد. سپس بار دیگر به نعمت تسخیر حیوانات اشاره کرده می‌گوید: «اینگونه خداوند چارپایان را مسخّر شما کرد تا خدا را به خاطر اینکه شما را هدایت کرده بزرگ بشمرید و تکبیر گوئید. هدف نهایی این است که به عظمت خدا آشنا شوید، همان خدایی که شما را در مسیر تشریح و تکوین، هدایت کرده از یک سو مناسب حج و آئین اطاعت و بندگی را به شما آموخت و از سوی دیگر این حیوانات بزرگ و نیرومند را مطیع فرمان شما ساخت، تا از آن‌ها در راه اطاعت خدا، قربانی کردن، نیکی به نیازمندان و همچنین تأمین زندگی خود استفاده کنید. و لذا در پایان آیه می‌گوید: «بشارت ده نیکوکاران را». آن‌ها که از این نعمت‌های الهی در طریق اطاعت او بهره می‌گیرند و وظائف خود را به نیکوترین وجه انجام می‌دهند و مخصوصاً از انفاق در راه خدا کوتاهی نمی‌کنند. این نیکوکاران نه تنها به دیگران نیکی می‌کنند که نسبت به

خویشتن هم بهترین خدمت را انجام می‌دهند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴/۱۰۹-۱۱۰). خداوند در سوره احقاف، قرآن کریم را بشارت به محسنین می‌داند: ﴿وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِّسَانِ عَزَبِيَّا لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَى لِّلْمُحْسِنِينَ﴾ (احقاف/۱۲): «و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود (نشانه‌های آن را بیان کرده)، و این کتاب هماهنگ با نشانه‌های تورات است در حالی که به زبان عربی و فصیح و گویاست، تا ظالمان را بیم دهد و برای نیکوکاران بشارتی باشد».

۳. صبر

خدای متعال مردم صابر و شکیب را در قرآن کریم به اوصاف عدیده ستوده است. از جمله در آیه‌ای به صابران بشارت داده شده است: ﴿وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشْيءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره/۱۵۵): «قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم؛ و بشارت ده به استقامت‌کنندگان» از دیدگاه علامه طباطبایی: «خدای تعالی در آیه مورد بحث به عموم شدائدی که ممکن است مسلمانان در راه مبارزه با باطل گرفتارش شوند، اشاره نموده و آن عبارت است از خوف و گرسنگی و نقص اموال و جان‌ها، و اما کلمه (ثمرات)، ظاهراً مراد به آن اولاد باشد، چون نقص فرزندان و کم شدن مردان و جوانان با جنگ مناسب‌تر است تا نقص میوه‌های درختان» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۵۳۱).

۴. اسلام

در قرآن کریم دو مرتبه در سوره نحل، به مسلمین بشارت داده شده است. در آیه ۸۹ این سوره می‌فرماید: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ﴾: «و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است». از دیدگاه نویسنده تفسیر «کاشف»: «مراد از بشری، بهشت و مراد از مسلمین، هر کسی است که در برابر حق تسلیم باشد و بدان عمل کند» (سبزواری، ۱۳۸۷: ۴/۸۴۳). در آیه ۱۰۲ سوره نحل نیز می‌فرماید: ﴿قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ﴾: «بگو، روح القدس آن را از جانب پروردگارت بحق نازل کرده، تا افراد باایمان را ثابت‌قدم گرداند؛ و هدایت و بشارتی است برای عموم مسلمانان». علامه طباطبایی معتقد است: «مقصود از مسلمین در آیه شریفه کسانی

هستند که تسلیم حکم خدای تعالی هستند و اعتراض و چون و چرایی ندارند، پس آیه ناسخ برای این گونه افراد ارائه طریق و بشارت به سعادت و جنت است، و اگر آثار آن را از هم جدا نموده تثبیت را به مؤمنین و هدایت و بشری را به مسلمین اختصاص داده، برای این است که میان ایمان و اسلام فرق هست، ایمان کار قلب است و سهمش از آثار نسخ تثبیت در علم و اذعان است، و اسلام مربوط به ظاهر عمل و مرحله جوارح بدن است و نصیبش اهداء به عمل واجب و بشارت به نتیجه آن یعنی بهشت و سعادت است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۹۹/۱۲).

۵. تواضع

در سوره مبارکه حج، بشارت به «مخبتین» داده شده است: ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمُ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ﴾ (حج/۳۴): «برای هر امتی قربانگاهی قرار دادیم، تا نام خدا را (به هنگام قربانی) بر چهارپایانی که به آنان روزی داده‌ایم ببرند، و خدای شما معبود واحدی است؛ در برابر (فرمان) او تسلیم شوید و بشارت ده متواضعان و تسلیم‌شوندگان را» «مخبتین» در لغت از خبت و به معنای زمین پست و هموار می‌باشد. راعب در مفردات گفته است: کلمه "خبت" به معنای زمین مطمئن و محکم است، و وقتی گفته می‌شود "أخبت الرجل" معنایش این است که تصمیم گرفت به زمینی محکم برود، و یا در آن زمین پیاده شد، نظیر کلمه "اسهل و انجد" که به معنای "به سرزمین هموار رفت، به بلندی رفت" می‌باشد، و به تدریج در معنای نرمی و تواضع استعمال شده که در آیه «وَأَخْبِتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ» به همین معنا آمده، و نیز در جمله «وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ» به معنای تواضع آمده، می‌فرماید افراد متواضع را که استکباری از عبادت خدا ندارند بشارت بده، و نیز در جمله «فَتُخْبِتْ لَهُ قُلُوبُهُمْ» یعنی دل‌هایشان برای او نرم و خاشع می‌گردد» (طبرسی، ۱۳۷۵: ۲۰۸/۴). از دیدگاه علامه طباطبایی «منظور از "اخبار مؤمنین به سوی خدا" اطمینان و آرامش یافتن‌شان به یاد او و تمایل دل‌هایشان به سوی او است، به طوری که ایمان درون دلشان متزلزل نگشته، به این سو و آن سو منحرف نشوند و دچار تردید نگردند، همان‌طور که زمین محکم این چنین است، و اشیایی را که بر گرده خود دارد نمی‌لغزند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۸۷/۱۰). جمله «وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ» نیز اشاره‌ای است به

اینکه هر که برای خدا در حج خود اسلام و اخلاص داشته باشد او از "مخبتین" است (همان: ۵۲۹/۱۴).

مصادیق «مبشرین» در قرآن کریم

افراد زیادی به عنوان مبشر در قرآن کریم نام برده شده‌اند. این افراد یا وجود بشری و زمینی دارند همچون انبیاء و اولیای الهی و یا وجودشان فرا بشری است. همچون ملائکه. مهم‌ترین مصادیق مبشرین از منظر آیات کلام وحی عبارت‌اند از:

۱. خداوند

در آیاتی از قرآن، خداوند متعال خود را به عنوان مبشر و مژده‌دهنده عنوان می‌کند. در آیاتی از سوره مبارکه توبه می‌فرماید: «يَشْرَهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّتْ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ» (توبه/۲۱): «پروردگارشان آن‌ها را به رحمتی از ناحیه خود، و رضایت (خویش)، و باغ‌هایی از بهشت بشارت می‌دهد که در آن نعمت‌های جاودانه دارند» همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، خداوند متعال به آن‌ها ایمان آورده و در راه خدا هجرت و جهاد کرده‌اند، رحمت و بهشت خویش را بشارت داده است. «در آخر آیه کلماتی را که مورد بشارت واقع شده‌اند، نکره آورده: «رحمة»، «رضوان»، «نعیم»، «مقیم»، زیرا این امور برتر از آن‌اند که به توصیف وصف کننده درآیند یا در تعریف معرف گنجانده شوند» (طبرسی، ۱۳۷۵: ۵۲۵/۲).

علامه طباطبایی ذیل این کریمه می‌نویسد: «از ظاهر سیاق برمی‌آید که رحمت و رضوان و جنتی که می‌شمارد، بیان همان رستگاری است که در آیه قبلی بود، و در این آیه به طور تفصیل و به زبان بشارت و نوید آمده است. پس معنای آیه این می‌شود که خدای تعالی این مؤمنین را به رحمتی از خود که از بزرگی قابل اندازه‌گیری نیست و رضوانی مانند آن و بهشت‌هایی که در آن‌ها نعمت‌های پایدار هست، و به هیچ وجه از بین نمی‌رود، و خود اینان هم بدون اجل و تعیین مدت جاودانه در آن‌ها خواهند بود بشارت می‌دهد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۷۴/۹).

در آیه ۲۳ سوره شوری که به آیه مودت مشهور است، نیز بشارت از سوی خداوند مطرح است: «ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ

فِي الْقُرْبَى: «این همان چیزی است که خداوند بندگان را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند به آن نوید می‌دهد! بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم». این آیه، پاداش‌هایی که برای مؤمنان در آیه قبل مطرح شده بود را توضیح می‌دهد.

۲. ملائکه

در آیاتی از کلام وحی، ملائکه به عنوان مبشّران الهی مطرح شده‌اند. در برخی آیات، ملائکه خاصی مدّ نظر است و برخی آیات نیز مطلق ملائکه را منظور دارند. در آیه ۱۲۴ تا ۱۲۶ سوره آل عمران، بشارت هزاران ملائکه در قبال صبر و تقوای الهی مطرح شده است: ﴿إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمَدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ ۚ بَلَىٰ إِنَّ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾: «در آن هنگام که تو به مؤمنان می‌گفتی آیا کافی نیست که پروردگارتان، شما را به سه هزار نفر از فرشتگان، که از آسمان فرود می‌آیند، یاری کند؟! آری، (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید، و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان، که نشانه‌هایی با خود دارند، مدد خواهد داد». بنا بر دیدگاه نویسنده تفسیر «بیان السعادة»: «مقصود از امداد به ملائکه چیزی نبود جز اینکه بشارت بر شما باشد تا قبل از پیروزی خوشحال شوید، و برای اینکه دل‌های شما مطمئن شود پیش از اینکه چشم‌های شما با غلبه و قتل روشن گردد. زیرا نظرهای بشری مبنی بر اسباب حسّی است» (گنابادی، ۱۳۷۲: ۳/۳۸۴). در سوره انفال نیز سخن از یاری هزاران ملائکه و بشارت ایشان به میان آمده است: ﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمَدِّدُكُمْ بِالْفِئَةِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّفِينَ﴾ (انفال/۹): «(به خاطر بیاورید) زمانی را (که از شدت ناراحتی در میدان بدر) از پروردگارتان کمک می‌خواستید؛ و او خواسته شما را پذیرفت (و گفت): من شما را با یک‌هزار از فرشتگان، که پشت سر هم فرود می‌آیند، یاری می‌کنم». نتیجه بشارت ملائکه نوید است و دل‌داری و استوار کردن پاهای مردان و گرفتن آن نتیجه که بزرگ‌تر قدم در پیشرفت اسلام بود به‌خصوص که به طور حکایت از گذشته نقل شده است که شما بیچاره شدید و دعا کردید خدا هم وعده کرد. و به ملائکه الهام کرد که شما را نگاهداری کنند (عاملی، ۱۳۶۰: ۴/۲۹۸).

در سوره نحل، بشارت روح القدس که یکی از ملائکه است، مطرح شده و فرموده است: ﴿قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ﴾ (نحل/۱۰۲): «بگو، روح القدس آن را از جانب پروردگارت به حق نازل کرده، تا افراد باایمان را ثابت قدم گرداند؛ و هدایت و بشارتی است برای عموم مسلمانان». اینکه در این آیه تثبیت دل‌ها را به مؤمنان و هدایت و بُشری را به مسلمانان وعده داده، شاید برای آن باشد که ایمان درجه‌ای بالاتر از اسلام است. وقتی کسی ایمان داشته باشد او از مرحله هدایت و بُشری بالاتر رفته و نیاز به تثبیت و استواری و ثابت قدمی دارد، ولی کسی که فقط مسلمان شده و به مرحله بالاتری نرسیده، قرآن برای او مایه هدایت و دلگرمی است و او را به سوی ایمان که درجه بالاتری است راه می‌نماید (جعفری، ۱۳۷۶ق: ۲۱۶/۶).

۳. قرآن

یکی از مصادیق مبشرین طبق بیان خداوند، قرآن کریم است. قرآن به عنوان کتاب هدایت و انسان‌ساز، بارها به مؤمنان بشارت داده تا با پیروی از دستورات خداوند راه سعادت را بیمایند. از القاب قرآن کریم بشارت است. در حقیقت قرآن کریم، سراسر مژدگانی و نوید به خیر است. اینکه در سراسر قرآن، پروردگار عالمیان به اسماء و صفاتی که عمدتاً صفات جمال‌اند وصف شده گواه روشن مبشر بودن قرآن کریم است.

خداوند متعال در سوره کهف می‌فرماید: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا قِيمًا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا لِمَنْ لَدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا﴾ (کهف/۱-۲): «حمد مخصوص خدایی است که این کتاب (آسمانی) را بر بنده (برگزیده) اش نازل کرد، و هیچ گونه کژی در آن قرار نداد* در حالی که ثابت و مستقیم و نگاهبان کتاب‌های (آسمانی) دیگر است؛ تا (بدکاران را) از عذاب شدید او بترساند؛ و مؤمنانی را که کارهای شایسته انجام می‌دهند، بشارت دهد که پاداش نیکویی برای آن‌هاست».

در این آیات، قرآن کریم به عنوان مبشر، مؤمنان را به پاداش‌های نیکو وعده می‌دهد. در سوره مبارکه اسراء، قرآن کریم مصداق بشارت به مؤمنان و صالحان معرفی شده است: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾ (اسراء/۹): «این قرآن، به راهی که استوارترین راه‌هاست، هدایت می‌کند؛ و به

مؤمنانی که اعمال صالح انجام می‌دهند، بشارت می‌دهد که برای آن‌ها پاداش بزرگی است». «یکی از ویژگی‌های برجسته قرآن، هدایت‌گری آن است. قرآن کریم همواره مردم را به روش و آیینی می‌خواند که استوارتر و پایدارتر است.

البته تمام کتاب‌های آسمانی مردم را به سوی حق می‌خوانند، ولی از آنجا که اسلام کامل‌ترین ادیان و قرآن آخرین کتاب آسمانی است، قرآن این امتیاز را بر سایر کتاب‌های آسمانی دارد که انسان را به سوی حق استوار و دین پایدار می‌خواند، و آیینی که قرآن به آن دعوت می‌کند از همه آیین‌ها قوی‌تر و کامل‌تر است؛ همان‌گونه که پیامبر اسلام از سایر پیامبران بافضیلت‌تر است و توحید اسلام از توحید سایر ادیان خالص‌تر است. قرآن ضمن اینکه به سوی راهی استوارتر هدایت می‌کند، مؤمنانی را که کارهای شایسته انجام داده‌اند دو مژده می‌دهد: نخست اینکه برای آنان پاداشی بزرگ است، دیگر اینکه مخالفان آن‌ها که عقیده به روز قیامت ندارند در آتش جهنم جای خواهند داشت. وعده اجر و پاداش برای مؤمنان به معنای آن است که آنان در اثر عمل به فرمان‌های خدا، حقی بر خدا پیدا می‌کنند و این مشکلی ندارد. بنابراین اصل دادن پاداش به مؤمنان جنبه استحقاق دارد، ولی کیفیت پاداش و افزونی آن از باب تفضل الهی است. توجه کنیم که مژده پاداش مخصوص مؤمنانی است که عمل صالح انجام داده‌اند و شامل مؤمنانی که به واجبات دینی خود عمل نکرده‌اند نمی‌شود (جعفری، ۱۳۷۶ق: ۲۶۴/۶).

در آیات دیگری نیز قرآن کریم مصداق بشارت‌دهنده معرفی شده است. بر اساس آیه ۸۹ سوره نحل، قرآن تبیان و روشن‌کننده هر چیز و بشارت‌دهنده می‌باشد: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾: «و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است».

۴. انبیاء الهی

انبیاء طی مأموریت الهی خود، از ابزارهای گوناگونی برای برانگیختن مردم به سوی برخی از کارها و اجتناب دادن آنان از برخی دیگر بهره برده‌اند. چنانچه پیامبران به یک نظام انگیزشی تمسک نمی‌جستند، تعالیم آنان بی‌ثمر و بیهوده بود. شماری از آیات قرآن، تبشیر را به عنوان عاملی مهم برای ارشاد پیامبران برشمرده‌اند. این شیوه انگیزشی چنان از اهمیت برخوردار است که گاهی به عنوان ویژگی جایگزین برای اصل مقام نبوت

تلقی می‌شود. ساختار روان‌شناختی بشر بر محور «خود» متمرکز است. این «خود» دوست دارد که سود ببرد و از ضرر اجتناب ورزد. بشارت و انذار پیامبران موجب می‌شود که مردم از پاداش و کیفر مترتب بر رفتارهای خود آگاه گردند (شاملی، ۱۳۷۹: ۱۶-۱۷). اصولاً قرآن کریم، همه فرستادگان خدا را مبشران و منذرین نامیده و فرموده است: ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ﴾ (بقره/۲۱۳): «مردم (در آغاز) یک دسته بودند؛ (و تضادی در میان آن‌ها وجود نداشت. به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آن‌ها پیدا شد، در این حال خداوند، پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آن‌ها نازل نمود؛ تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند داوری کند».

باید گفت دو گونه بشارت داریم: یکی بشارت عام و دیگری بشارت خاص. بشارت عام، شأن و وظیفه همه پیامبران خداست. در حقیقت سلاح برنده آن‌ها بشارت است. با بشارت، مردم در راه تکامل، بر سر شوق می‌آیند و به مژده‌های اطمینان‌بخشی که از طرف رهبران آسمانی به آن‌ها داده می‌شود، به وجد و سرور می‌آیند و در نتیجه، دشواری‌های راه بر آن‌ها آسان و تلخی‌ها شیرین و خستگی‌ها مطبوع و گوارا می‌شود. اما بشارت خاص، از سوی برخی انبیا، پیرامون پیامبر بعد از خود مطرح است. انبیای الهی که در قرآن کریم به عنوان مبشر معرفی شده‌اند یا مورد بشارت قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از حضرت عیسی (ع)، حضرت ابراهیم (ع)، حضرت موسی (ع) و پیامبر (ص). به عنوان نمونه خداوند در آیه ۸۷ سوره مبارکه یونس، از حضرت موسی (ع) و برادرش هارون (ع) به عنوان مصداقی از مبشرین الهی که به مؤمنان بشارت می‌دهند، یاد کرده است. همچنین در قرآن کریم، در یازده مورد از پیامبر اکرم (ص) با عنوان «مبشر» یاد شده است. در همه موارد یاد شده نیز از صیغه امر (بشّر) استفاده شده است. بشارت به مؤمنین، مسلمین، محبتین، کافرین، منافقین و ... از فرامین الهی به نبی مکرم (ص) در زمینه تبشیر است. به عنوان نمونه در آیه دوم سوره یونس، در توضیح مبشر بودن رسول اکرم (ص) می‌فرماید: ﴿أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُبِينٌ﴾: «آیا برای مردم، موجب شگفتی بود

که به مردی از آن‌ها وحی فرستادیم که مردم را (از عواقب کفر و گناه) بترسان، و به کسانی که ایمان آورده‌اند بشارت ده که برای آن‌ها، سابقه نیک (و پاداش‌های مسلم) نزد پروردگارشان است؟! (اما) کافران گفتند: «این مرد، ساحر آشکاری است».

نتیجه بحث

پرسش کلیدی پژوهش حاضر تنوع معنایی واژه «تبشیر» در قرآن کریم است. این پژوهش، وجوه مختلف معنایی تبشیر در قرآن کریم و واژه‌های مرتبط با آن را رهیافتی مناسب جهت پاسخ به این پرسش می‌داند و نشان می‌دهد:

۱. تبشیر از ریشه «بشر» است. بنا بر دیدگاه صاحبان کتاب‌های لغت، «تبشیر» به معنای شادمانی، خبر خوش، نوید، مزدگانی و در اصطلاح اخبار به خیر و امور مطلوب است. واژه «بشاشة» کلمه مترادف «تبشیر» می‌باشند که معنای سرور و شادمانی دارند و واژه «انذار» از نظر معنایی در تضاد با «تبشیر» است و در مفهوم بیم دادن و ترساندن به کار می‌رود.

۲. تنوع معنایی واژه «تبشیر» متناسب با آیاتی که در آن‌ها این واژه به کار رفته است، موجب شده تا این واژه با کلماتی همچون ایمان، احسان، صبر، اسلام و تواضع رابطه همنشینی داشته باشد.

۳. قرآن کریم مصادیقی را برای مبشران عنوان نموده که عبارت‌اند از خداوند، ملائکه، قرآن و انبیای الهی مانند حضرت عیسی (ع)، حضرت موسی (ع) و نبی مکرم اسلام (ص).

۴. تبشیر از منظر قرآن کریم دارای همنشینانی از جمله ایمان، احسان، صبر، اسلام و تواضع و در نقطه مقابل نفاق قرار دارد و به مؤمنین، محسنین، صابریین، مخبتین و ... بشارت‌هایی داده شده است. در نتیجه با تقویت صفات مذکور می‌توان به وعده‌هایی که به مبشران داده شده است دست یافت. انسان مؤمن، متواضع و محسن و ... می‌تواند به عنوان مبشر الهی مطرح باشد.

۵. بشارت از نظر معنایی متضاد «انذار» است و معنای مزده و شادمانی پیرامون امور خیر دارد. هرچند در معنای مجازی پیرامون مزده به عذاب و امور منفی نیز به کار رفته است. در نتیجه در معنای لغوی، بشارت و تبشیر به معنای امور مثبت است.

کتابنامه

قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

کتب عربی

- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۰۸ق، لسان العرب، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
بحرانی، هاشم بن سلیمان. ۱۴۱۵ق، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه بعثت.
جوهری، اسماعیل بن حماد. ۱۳۷۶ق، تاج اللغة وصحاح العربیة، بیروت: دار العلم.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد. بی تا، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار الشامیة.
زبیدی، محمد مرتضی. ۱۳۰۶ق، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار ومکتبه الحیاة.
طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۳۷۴ش، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۶۰ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات فراهانی.
طبری، محمد بن جریر. ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
طریحی، فخرالدین بن محمد. ۱۴۰۳ق، مجمع البحرین، تهران: انتشارات مرتضوی.
طوسی، محمد بن الحسن. بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
طیب، عبدالحسین. ۱۳۶۹ش، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام.
عسکری، حسن بن عبدالله. ۱۳۹۰ش، الفروق اللغویة، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

عیاشی، محمد بن مسعود. ۱۴۰۷ق، تفسیر عیاشی، تهران: مطبعة العلمية.

فراهیدی، خلیل بن احمد. ۲۰۰۳م، العین، بیروت: دار الکتب العلمية.

کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ق، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية.

مجلسی، محمد باقر. ۱۳۶۲ش، بحار الأنوار، تهران: دار الکتب الإسلامية.

کتب فارسی

- امین، نصرت بیگم. بی تا، تفسیر مخزن العرفان فی علوم القرآن، بی جا: بی نا.
جعفری، یعقوب. ۱۳۷۶ش، تفسیر کوثر، قم: مؤسسه انتشارات هجرت.
خسروانی، علیرضا. ۱۳۹۰ق، تفسیر خسروی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷ش، لغتنامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
سلیمی، عبدالحکیم. ۱۳۷۹ش، نقش بشارت و انذار در سازندگی، سراج، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰.
سوری، زهره. ۱۳۸۸ش، بشارت و انذارهای پیامبر اعظم(ص)، گرگان: رشد و فرهنگ.

- صفوی، کوروش. ۱۳۷۹ش، **درآمدی بر معناشناسی**، تهران: انتشارات سوره مهر.
- عاملی، ابراهیم. ۱۳۶۰ش، **تفسیر عاملی**، تهران: کتابفروشی صدوق.
- کامرانیان، عباس علی. ۱۳۸۶ش، **بشارت و اندازهای قرآن کریم**، تهران: پویا نقش.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- یول، جورج. ۱۳۸۰ش، **بررسی زبان**، مترجم: علی بهرامی، بی جا: انتشارات رهنما.

مقالات

- موسوی کاشمری، مهدی. ۱۳۸۸ش، پیام زن، شماره ۸۲، صص ۷۵-۷۲.

Bibliography

Arabic

Holy Quran, translated by Naser Makarem Shirazi

Ibn-Manzor, Muhammad-Ibn- Mukaram, (1987), Arabic language, Beirut, house of Arabic heritage.

Bahrani, Hashem-Ibn-solomon, (1994), the proof in the interpretation of the Quran, Qom, Besat institute.

Johari, Ismail-ibn- Hammad, (1997), Taj-al-logat and sehah-al-Arabia, Beirut, house of science.

Ragheb Isfahani, Hussain-ibn-Muhammad, (Bi ta), vocabulary in the holy Quran, beirut, Dar-al-Shamia.

Zobeidi, Muhammad Morteza, (1888), Taj-al-Aros of Javaher-al Ghamos, Beirut, life style.

Kalini, Muhammad-ibn-Jacob, (2001), Al-Kafi, Tehran, Islamic Library.

Majlesi, Muhammad-Bagher, (1983), Bahar-al-Anvar, Tehran, Islamic Library.

Askari, Hasan-ibn-Abd-allah, (2011), al-Forough-al-Loghavia, Tehran, Institute of Humanities and Cultural Studies.

Ayashi, Muhammad-ibn-Masood, (1986), Ayashi interpretation, Tehran, scientific press, 2001.

Farahidi, Khalil-ibn-Ahmad, (2003), Al-Ein, Beirut, scientific library.

Tabatabaai, Seyed Muhammad Hussain, (1995), Al-Mizan in the interpretation of Quran, Qom, the office of publication of teachers' community of scientific possession of Qom.

Tabarsi, Fazl-ibn-Hasan, (1981), Majma-al-Bayan in the interpretation of Quran, Tehran, Farahani publication.

Tabari, Muhammad-ibn-Jorair, (1991), Jame-al-Bayan in the interpretation of Quran, Beirut, Dar-al-Marefat.

Tarihi, Fakhr-al-Din-ibn-Muhammd, (1982), Majma-al-Bahrain, Tehran, Mortazavi Publication.

Toosi, Muhammad-ibn-al-Hasan, (Bi ta), Al-Tabyan in the interpretation of Quran, Beirut, house of Arabic heritage.

- Tayeb, Abd-al-Hussain, (1990), *Atyab-al-Bayan in the interpretation of Quran*, Tehran, Islam.
- Farsi
- Amin, Nosrat Bigom, (Bi ta), *interpretation of Makhzan-al- Erfan in Quranic sciences*, Bi dja: Bi na.
- Jafari, Jacob, (1997), *interpretation of Kosar*, Qom, Hijrat Publishing institute.
- Khosravani, Alireza, (1970), *Khosravi interpretation*, Tehran, Islamic bookstore.
- Dekhoda, Aliakbar, (1998), *Dekhoda dictionary*, Tehran, Tehran university press.
- Salimi, Abd-al-Hakim, (2000), *the role of enunciation and warning in the constructing*, Seraj, third year, number 9 and 10.
- Sori, Zohreh, (2009), *the enunciation and warnings of the prophet Muhammad*, Gorgan: development and culture.
- Safavi, Koroosh, (2000), *an introduction to semantics*, Tehran, Soreh Mehr Publication.
- Ameli, Ibrahim, (1981), *Ameli interpretation*, Tehran, Sadogh bookstore.
- Kamranian, Abas-Ali, (2007), *the enunciation and warnings of holy Quran*, Tehran, Pooya naghsh.
- Makarem Shirazi, Naser, (1995), *Nemoneh interpretation*, Tehran, Islamic library.
- Jul, Jorge, (2001), *language study*, translator: Ali Bahrami, Bi ja: Rahnama Publication.
- Peper
- Musavi Kashmari, Mahdi, (2009), *women message*, number 82, page 72-75.